

تحلیلی بر تطور تاریخ نگاری محلی یزد

(از آغاز تا پایان عصر صفوی)

بهمن زینلی* / مصطفی پیرمردیان**

دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۶

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۸

چکیده

شهر یزد از زمان تیموریان شاهد ظهور مورخان بزرگی در عرصه تاریخ نگاری محلی بوده است. تاریخ نگاری محلی یزد با حاشیه گرفتن از تاریخ نگاری محلی فارس رشد کرد و هم‌زمان با توسعه یک قدرت سیاسی، که تقریباً برای اولین بار در تاریخ آن بروز کرد، نخستین کتاب در تاریخ محلی یزد نیز تدوین شد. در آغاز سده نهم سنت تاریخ نویسی در یزد رشد بیشتری کرد و آثار ارزنده ای در تاریخ نگاری محلی آن پدید آمد. این آثار تمام ویژگی های کلی تاریخ نگاری محلی ایران را داشت با این تفاوت که حس استقلال طلبی در آنها پررنگ تر بوده و توجه اصلی نویسندگان تاریخ محلی به بناهای یزد و سازندگان آنها بوده است. هرچند در کنار آن به تاریخ سیاسی هم پرداخته اند. در این مقاله، با استفاده از منابع اصلی و به شیوه تحلیلی و توصیفی به این پرسش ها پاسخ داده می شود که علل اصلی رشد تاریخ نگاری محلی در این دوره چه بوده است؟ نویسندگان و مخاطبین این آثار چه کسانی بوده اند؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می رسد، استقلال سیاسی و تاسیس سلسله های محلی نقش اساسی داشته و حمایت حاکمان سیاسی از نویسندگان زمینه تدوین این آثار را فراهم کرده است. از سویی، رونق اقتصادی زمینه را برای کسب معارف فراهم کرده و نویسندگان بسیاری در عرصه تولید متون تاریخی ظهور کرده و به دنبال آن اشتیاق به خواندن آثارشان در بین طبقه متوسط گسترش یافته است.

کلید واژه: تاریخ نگاری محلی، سلسله های محلی، اتابکان یزد، آل مظفر.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: bahman.zeinali@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. پست الکترونیک: mostafapirmoradin@yahoo.com

مقدمه

تاریخ نگاری محلی، سومین گونه مشهور تاریخ نویسی پس از تاریخ های سلسله‌ای و عمومی است و مورخ تاریخ محلی، با توجه به زاد بوم خود به نکات بسیار سودمندی در عرصه تاریخ محلی می پردازد. تاریخ های محلی از آن جهت اهمیت دارند که آگاهی های موجود در آنها اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند و در قیاس با تاریخ های عمومی عمدتاً حاوی آگاهی های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیار معین هستند.

شهر یزد از کانون های تدوین تاریخ های محلی است که از قرن نهم شاهد، ظهور مورخان بزرگی در عرصه تدوین تاریخ نگاری محلی بوده و آثار ارزنده ای در این شاخه از تاریخ نگاری پدید آمده است. برای پارسیان، یزد نقطه پایانی تاریخشان بوده است. یزد با تبدیل شدن به زندان سکندر، زوال امپراتوری هخامنشیان را شاهد بود و با فرار یزدگرد از فارس به خراسان که از طریق یزد صورت گرفت دولت ساسانیان به پایان رسید. همان‌جا نیز فرزندان یزد گرد سر به کوه و بیابان نهادند و آخرین بقایای پارسیان زردشتی نیز در گوشه عزلت ادامه حیات دادند، بدین لحاظ نخستین اصل از تاریخ یزد جنبه نیمه افسانه ای دارد که مربوط به ایران باستان است.

در عصر آل بویه قدرت گسترده این خاندان در یزد به وسیله شعبه ای موسوم به بنی کاکویه نمایندگی می شد. بنی کاکویه مرز آل بویه در حاشیه کویر در برابر قدرت غزنویان بودند که خراسان را در تصرف داشتند. با زوال آل بویه،

بنی کاکویه در تابعیت از سلجوقیان توانستند ادامه حیات دهند و سپس در دوره سنجر قدرت خویش را به اتابکان (یزد) واگذار کردند. سپس رشد قدرت شبانکارگان در شمال شرقی فارس حائلی میان شیراز و یزد به وجود آورد که موجودیت منفرد یزد از فارس را بیشتر ممکن ساخت. این وضع امکان داد تا در اواخر دولت ایلخانان یزد شاهد زوال قدرت اتابکان و طلوع دولت آل مظفر باشد. در سال‌های پایانی دولت اتابکان یزد، آل مظفر با کوچ از خراسان در یزد، در همان مسیرهای تجاری که از یزد به کرمان و شیراز و اصفهان می رفت قدرت خود را توسعه دادند.

هم‌زمان با توسعه یک قدرت سیاسی از یزد، که تقریباً برای اولین بار در تاریخ آن به تحقق می‌رسید، شکوفایی درخور توجهی در تاریخ نویسی توسط یزدیان آغاز شد. این حرکت تاریخ نویسی در سه حوزه تاریخ نگاری عمومی، تاریخ نگاری سلسله ای و تاریخ نگاری محلی بود. برخلاف مطالعات و پژوهش های بسیاری که در دو حوزه تاریخ نگاری عمومی و سلسله ای انجام داده شده و آثار مورخان یزدی که در این دو حوزه مورد بررسی شده اند، در باره تاریخ نگاری محلی یزد پژوهش مستقلی صورت نگرفته و تنها پژوهش های تک نگارانه ای درباره بخشی از تاریخ های محلی انجام داده شده است؛ از جمله مقاله تاریخ جدید یزد، اثر ایزابل میلر؛ جامع مفیدی، اثر حسین محبوبی اردکانی؛ تاریخ یزد، نوشته محمد جعفر محجوب و مجموعه مقالات ایرج افشار در باره تاریخ یزد که هر کدام

توانسته‌اند در بخشی از تاریخ نگاری محلی یزد مطالعه و تحقیق کنند. این آثار بیشتر به معرفی تاریخ‌های محلی یزد پرداخته و از تحلیل محتوایی این آثار چشم‌پوشی کرده‌اند و کم‌تر به انگیزه مؤلفان این آثار اشاره کرده‌اند. لذا این مقاله درصدد است تا با بررسی اطلاعات موجود در تاریخ‌های محلی یزد و با شیوه تحلیلی و مقایسه‌ای و با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای سیر تطور تاریخ نگاری محلی یزد از آغاز تا پایان دوره صفویان را بررسی کرده و مختصات آن را بیان نماید.

مسئله‌ای که در این پژوهش موردنظر قرار گرفته، پرداختن به این مهم، یعنی سیر تحول تاریخ نگاری محلی یزد از آغاز تا پایان دوره صفویان است. پرسش اصلی این است که علل اصلی رشد این شاخه از تاریخ‌نگاری محلی در این دوره چه بوده است؟ در این میان پرسش‌های فرعی دیگری طرح می‌شود، از جمله: ۱. اهداف و انگیزه‌های تاریخ‌نویسان محلی از تدوین آثارشان چه بوده است؟ ۲. نویسندگان این آثار عمدتاً وابسته به چه طیفی از جامعه زمان خودشان بوده‌اند؟ ۳. مخاطبین این آثار چه کسانی بوده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت که به نظر می‌رسد استقلال سیاسی و تاسیس سلسله‌های محلی که منجر به بهبود شرایط اقتصادی و فرهنگی منطقه شده، نقش اساسی در این بین داشته و حمایت حاکمان سیاسی از نویسندگان زمینه تدوین این آثار را فراهم کرده است. از سویی، تشکیل تاسیس دولت‌های محلی احساسات و علائق محلی را برانگیخته و هم‌زمان

با تدوین این آثار، مطالعه آنها نیز با اقبال طبقه متوسط و دیوانیان مواجه شد. این امر باعث سبب اقتصادی و رفاه اجتماعی شده و زمینه را برای افزایش انگیزه‌های وطن‌پرستی و کسب معارف مرتبط با آن فراهم کرده است. دبیران و نویسندگان بسیاری در عرصه تولید متون تاریخی ظهور کرده و، به دنبال آن، اشتیاق به خواندن آثارشان در بین طبقه متوسط گسترش یافته است.

۱. آغاز تاریخ نگاری محلی در ایران

تاریخ نگاری محلی ابتدا از شهرهای مقدس مکه و مدینه آغاز شد. نخستین تاریخ محلی در اسلام ظاهراً از ابن زباله به نام کتاب *مدینه و اخبارها* در اواخر قرن دوم است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷۹). پس از آن تاریخ‌های متعددی درباره شهرهای مکه، مدینه و شهرهای مهم و نوین‌یادی چون موصل، واسط، کوفه، بصره تالیف شد. تاریخ‌نگاری محلی ایران که در حقیقت جزئی از سنت عظیم تاریخ نگاری (و جغرافی‌نگاری) اسلامی است، از اواخر سده دوم و اوایل سده سوم آغاز شده است؛ هرچند تاریخ‌های محلی در این زمان بر خلاف آثار همسنگ خود - یعنی منابع جغرافیای تاریخی - نه تنها اندک شمارند، بلکه اکنون در دست نیستند و تنها گزارش‌هایی از آنها به واسطه منابع دیگر به دست ما رسیده است (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱۶۳). قلت تاریخ‌های محلی در این قرن به این دلیل بوده که هنوز احساسات و تعلقات جهان‌وطنی اسلامی جای خود را به وطن‌دوستی محلی و منطقه‌ای نداده بود (صالحی، ۱۳۸۰: ۱۲). آغاز تاریخ نگاری محلی در ایران به صورت تراجم

۱-۲. مختصات تاریخ‌نگاری محلی

تاریخ‌های محلی بر خلاف تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای که عمدتاً کلیاتی درباره سیاست و جنگ را در بر می‌گیرند، به لحاظ ماهیت و سرشت خود حاوی جزئیاتی ارزشمند از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هستند. این آثار، از یک سو، مهم‌ترین مرجع درباره سلسله‌ها و حکومت‌های بومی و محلی به شمار می‌روند و، از سوی دیگر، ارتباط میان حکومت‌های بومی و محلی با حکومت‌های مرکزی را به خوبی به تصویر می‌کشند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۹). مطالعه تواریخ سلسله‌ای نشان می‌دهد که محوریت در این گونه تاریخ‌نویسی‌ها با تاریخ سیاسی است، اما تاریخ‌های محلی از این قاعده مستثنی هستند و به تاریخ اجتماعی توجه کرده‌اند؛ از این رو، حایز اهمیت فراوان هستند (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۵۸). این آثار غالباً محشون از آگاهی‌هایی درباره اوضاع اقتصادی، طبقات اجتماعی، احوال رجال، شعرا، علما، آداب و رسوم، باورها، مذاهب، ستیزهای قومی و مذهبی هستند و اطلاعات ارزشمندی از تشکیلات اداری، نظام مالیاتی، رودها، کوه‌ها، اقوام، ایلات، زبان‌ها، گویش‌ها، معادن، صنایع، مزارات، بقاع، مساجد، قنوات و اوقاف به دست می‌دهند (آژند، ۱۳۸۰: ۱۲۸). ویژگی دیگر تواریخ محلی، توجه غالب آنها به جغرافیا به عنوان بستر و زمینه ساز حوادث در رویدادهای سیاسی و انسانی است و نیز پرداختن آنها به شهرها و محلات و بازار و زندگی شهری و، در کل، جنبه‌های درونی و بیرونی شهرها است و، از این نظر، می‌توان آنها را نوعی شهرنامه یا شهرشناسی نیز

احوال و تذکره رجال مذهبی و علمای دین بود که به سبک و شیوه اهل حدیث، که در آن ایام روش غالب بود، تدوین می‌شد. تواریخ محلی سده‌های نخستین اسلامی جز چند اثر مانند *تاریخ بیهقی*، *تاریخ سیستان*، *فارسنامه* و *تاریخ ابن اسفندیار* که به زبان فارسی تألیف شده‌اند، اغلب به زبان عربی بوده‌اند.

۱-۱. علل و انگیزه‌های تاریخ‌نگاری محلی در

ایران

تاریخ‌نگاری محلی در ایران عمدتاً از ظهور و فروپاشی امپراتوری‌های بزرگ الهام گرفته و واکنش علیه تمرکزگرایی سلسله‌های بزرگ بوده است. انگیزه اصلی نویسندگان تاریخ‌های محلی، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمینشان شایسته ضبط در تاریخ است (*دانشنامه جهان اسلام*، ۱۳۸۰: ۱۳۸). مشوق اصلی پدیداری بسیاری از تاریخ‌های محلی ایران، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود. گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز به‌خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها اهمیتی در خور توجه داشت (آژند، ۱۳۸۰: ۴۸). بنابراین انگیزه‌هایی چون حب وطن (روزنتال، ۱۳۶۸: ۱۸۳)، تفاخر محلی یا خواست و تشویق حکومتگران محلی، برای نشان دادن جایگاه و پیشینه تاریخی منطقه و ایالت، در دوره‌ای خاص یا دوره‌ای طولانی سبب پدید آمدن این آثار شد (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

خواند (همان: ۱۷۳).

۱-۳. محتوای تاریخ‌های محلی

هر چند بیان ویژگی‌ها و اهمیت تاریخ‌های محلی بیانگر آنها هم هست، عمده‌ترین مواد و مطالب موجود در تاریخ‌های محلی عبارت‌اند از: ذکر و بیان داستان بنیان و بنای شهر و دیار و گاه ذکر وجه تسمیه آن، شرح ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی، بیان ساخت و وسعت شهر و دیار، بیان ویرانی یا آبادانی شهرها و دهات، وصف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات، فرآورده‌ها، نوع معدن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه سارها، چشمه زارهاست. از سویی، ذکر محاسن و فضائل منطقه، خانقاه‌ها، مزار بزرگان، کتابخانه‌ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه‌ها، قنات‌ها، بقعه‌ها، شرح عجایب و غرایب شرح شورش‌ها، طغیان‌های واقع شده در شهرها، ذکر جنگ‌ها و کشمکش‌های روی داده بین مناطق و شهرها و قتل و غارت، کشتارها و دیگر رویدادهای تلخ و ناگوار اهمیت به سزایی دارند.

۲. آغاز تاریخ‌نگاری محلی در یزد

تاریخ‌نگاری در یزد از ربع اول قرن هشتم هجری آغاز شد. صرف نظر از رساله جامع الخیرات (وقفنامه)، نوشته سید رکن‌الدین حسینی یزدی (۷۳۳ هجری) که به زبان عربی تدوین شده است. مورخان چندی از این زمان پا به عرصه وجود نهادند و شهر یزد از این زمان خاستگاه مورخان متعدد شد. آثاری چون *مواهب الهی*، نوشته مولانا معین‌الدین یزدی؛ *تاریخ آل مظفر*، نوشته محمود کتبی، که هر دو تاریخ سلسله‌ای هستند و

کتاب‌هایی چون *غزوات هندوستان علی یزدی*، *ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی*، *تاریخ کبیر جعفر بن محمد جعفری و جامع‌التواریخ حسینی*، نوشته شهاب‌الدین حسینی که تاریخ‌های عمومی هستند، حاصل رشد تاریخ‌نگاری در یزد بود (سالاری شادی، ۱۳۸۳: ۲۸۷). نامدارترین مورخ یزدی این عهد، بدون شک، شرف‌الدین علی یزدی بود که زندگی تیمور را با عنوان *ظفرنامه* نوشت. در حالی که یکی از مهمترین منابع شرف‌الدین علی یزدی برای نگارش بخشی از *ظفرنامه*، *روزنامه غزوات هندوستان*، تالیف شهاب‌الدین منشی بن غیاث‌الدین علی یزدی بود (میلر، ۱۳۸۰: ۹۹).

در مورد چگونگی ظهور این گروه از مورخان یزدی باید گفت که یزد در سده نهم کانون پررونق و پیشرفت تجارت پارچه بود. از سده هشتم تا میانه سده نهم یزد هنوز شهری بزرگ بود. آنچه بیش از هر چیز قابل توجه می‌نمود، وجود شمار درخور توجهی مدرسه در یزد بود که تعداد آنها به بیست و نه مدرسه می‌رسید. بر این مورد می‌توان موقوفات فراوان رکن‌الدین قاضی و فرزندش شمس‌الدین را افزود که هر دو از دیوان‌سالاران دولت ایلخانی بودند. چگونگی ارتباط فرهنگی و آموزشی میان مدارس و مورخان یزدی روشن نیست. اما این مطلب روشن است که دانشمندان متأخر مسلمان نمی‌توانستند در فضایی از نظر فرهنگی بسته رشد کنند. از سوی دیگر، ظهور آنان صرفاً به دلیل ارتباط آنان با دیگر شهرها و کانون‌های فرهنگی نیز نبود. افزون بر آن، این مطلب که در سده نهم چند مورخ تاریخ محلی

هجری) و پسرش سیدشمس‌الدین محمد که بخشی از اموال خود را وقف کرده‌اند در سال‌های ۷۳۲ و ۷۳۳ هجری نگارش یافته و بین سال‌های ۷۳۳ تا ۷۳۴ هجری نسخه‌های متعددی از آن به تسجیل عدّه‌ای از علما و قضات و نقبای آن دوره رسیده و به تصریح وقفنامه، نسخه‌های مذکور به اماکن مختلفی که موقوفات متعلق بدان‌ها بوده، (مکه، مدینه، کربلا و...) فرستاده شده‌است تا متولیان آن اماکن از مفاد و میزان آن آگاه شوند. (میر حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۴)

سید رکن‌الدین، یکی از رجال بسیار مشهور و خیر و صاحب ابنیه و آثار بسیار در شهر یزد و قاضی یزد در اواخر دوره ایلخانی بود که در آبادانی آن شهر بسیار کوشا بوده و وقفات کثیری را از خود باقی گذاشته است (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۴-۹۵). مهم‌ترین بنایی که از سید رکن‌الدین در تواریخ ذکر شده مدرسه و رصدخانه و مسجد رکنیه است که در محله وقت و ساعت امروزی واقع است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۵۴۳). سید شمس‌الدین محمد نیز از رجال برجسته دوره ابوسعید ایلخانی عهده‌دار سمت قاضی‌القضات ممالک ایلخانی بوده‌است. (همان)

پس از سید رکن‌الدین که مرگش در سال ۷۳۲ هجری (همان: ۵۵۸) در شهر یزد حادث شد، فرزند او سید شمس‌الدین که از سوی سلطان ابو سعید ایلخانی مسند صدارت یافته بود به مانند پدر در ساخت ابنیه و آثار خیر گام‌های بزرگی برداشت و یک سال پس از مرگ پدرش در شهر تبریز، از دنیا رفت و همسرش که دختر خواجه رشیدالدین بود، جسدش را از تبریز به یزد فرستاد

یزد ظهور کردند تصادفی نیست. این مورخان را می‌توان هم برآیند جامعه پررونق یزد که به توصیف آن پرداخته‌اند در نظر گرفت و هم به مثابه نماینده شکوه جامعه و شهر یزد به شمار آورد. (همان)

در اوایل قرن نهم، سنت تاریخ‌نویسی در یزد رشد بیشتری کرد و آثار ارزنده‌ای در تاریخ‌نگاری محلی یزد پدید آمد که از آن جمله‌اند رساله وقفنامه جامع الخیرات، اثر سید رکن‌الدین حسینی یزدی؛ تاریخ یزد، اثر جعفر بن محمد بن حسن جعفری؛ تاریخ جدید یزد، اثر احمد بن حسین بن علی کاتب تبریزی، جامع مفیدی، اثر محمد بن مفید بن محمود مستوفی بافقی و جامع جعفری، اثر محمد جعفر بن محمد حسین طرب نایینی. این آثار تقریباً همه ویژگی‌ها و مختصاتی که برای تواریخ محلی بیان شده را دارند؛ با این تفاوت که حس استقلال و خودمختاری در آنها پررنگ‌تر بوده و توجه اصلی نویسندگان تاریخ محلی به بناهای یزد و سازندگان آنها بوده است. به سبب اهمیت قنات‌ها در حاشیه کویر مرکزی، در تواریخ یزد مطالب بسیاری درباره قنات‌ها و تقسیم‌بندی آب و شیوه آبیاری و خشکسالی‌ها آمده‌است. در ادامه با معرفی تاریخ‌های محلی یزد به علل شکل‌گیری، مختصات و ویژگیهای این آثار پرداخته می‌شود.

۲-۱. جامع الخیرات

جامع الخیرات عنوان رساله وقفنامه‌ای است که توسط سید رکن‌الدین ابوالمکارم محمد بن قوام‌الدین محمد بن نظام حسینی (متوفی ۷۳۲

و در گنبد مدرسه چهار منار به خاک سپردند (کاتب، ۱۳۵۷: ۱۲۹-۱۳۰). قبر این دو سید در یزد از زیارتگاههای مشهور است و مردم به آنها اعتقاد داشته و توسل می‌جویند و برای آنها نذر می‌کنند. صاحب تاریخ جدید یزد نوشته‌است «هر درمانده دلریشی که روز شنبه بر سر مرقد سید شمس الدین به تلاوت چهل مرتبه سوره اخلاص قیام نماید به مطالب در این کامیاب مراد می‌گردد». (همان: ۱۳۰)

جامع‌الخیرات، تفصیل و تشریح وقفیات و شرح موارد مصرف و چگونگی اداره موقوفات و آثاری است که سید رکن‌الدین و پسرش در یزد و مکان‌های دیگر دایر کرده‌اند. به یقین می‌توان گفت که جامع‌الخیرات از نظر کمیت و کیفیت، بعد از وقفنامه ربع رشیدی، مهم‌ترین وقفنامه‌ای است که بعد از اسلام در ایران تدوین شده‌است. از متن این وقفنامه می‌توان اطلاعات مفیدی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و رجال‌شناسی استنباط کرد. بارزترین نکات آن، مسائل اجتماعی و جغرافیایی یزد است. این اثر یکی از اسناد مهم در همه ابعاد تاریخ شهر یزد در زمان تدوین آن می‌باشد و محتوی بر نکات دقیقی در تاریخ وقف و متضمن فوایدی از جهت جغرافیایی تاریخی منطقه مذکور و مشتمل بر اطلاعات گسترده و ریز اجتماعی از قرون هفتم و هشتم هجری است. این اثر از زمره وقفنامه‌های اواخر دوره ایلخانان است که نه تنها از نظر کیفیت و کمیت و نوع وقف و شرایط آن حائز اهمیت است، بلکه از محتوای آن می‌توان اطلاعات بسیار مفید فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی

شهر یزد را به دست آورد (میر حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

این رساله شامل یک مقدمه و متن وقفنامه است. در مقدمه که به نظر می‌رسد بعد از رحلت واقف و در دوره فرزندش تدوین شده‌است، در باب علت تدوین این وقفنامه دو هدف مهم بیان شده‌است: نخست اختصاص منابع وقف جهت حفاظت و نگهداری از مساکن، بقعه‌ها، مساجد، مدارس، دارالسیاده، دارالحديث، خانقاه‌ها، رباط‌ها، بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها و کتابخانه‌ها که شامل ۴۵ بنا که ۲۳ بنا را سید رکن‌الدین و ۲۲ بنا را پسرش احداث کرده، می‌باشد (کاتب، ۱۳۵۷: ۷۲-۷۴). دوم، وقف بر سادات بنی فاطمه که در شهر یزد اقامت داشته‌اند و ساداتی که برای مدتی در یزد ساکن می‌شوند، اولاد واقف، خویشاوندان واقف، حرم کعبه معظمه، حرم مدینه منوره، مشهد غروی (نجف اشرف)، وقف بر حرم امام حسین (ع) در کربلا، وقف بر بندگان و بردگانی که این دو (پدر و پسر) داشته و آزاد کرده بودند (حسینی یزدی، ۱۳۴۵: ۵-۱۲). برای موارد ده گانه فوق، حدود یک‌پنجم سهام بیش از چهل قنات یزد و توابع آن و بیش از یک‌صدم مزرعه و باغات و حدود دویست مغازه در یزد و اموال زیادی در اصفهان و تبریز و کاشان و غیره را اختصاص می‌داده‌اند.

اما از جهت محتوا، این وقفنامه حاوی اطلاعات بسیار دقیق و ریز از تمام شئونات زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی شهر یزد و نواحی اطراف آن بوده و، در عین حال، شامل اطلاعات ارزنده در باره جغرافیای

تاریخی این شهر در سده‌های هفتم و هشتم است. این وقفنامه در درجه نخست مهم‌ترین اماکن مذهبی، فرهنگی و اقتصادی شهر یزد در دوره واقفان را، که قرن هشتم هجری است، نشان می‌دهد و به ۹ مسجد، ۸ مدرسه، ۱۴ خانقاه و ۱۱ رباط اشاره می‌کند که بخشی از درآمد اوقاف به آنها اختصاص یافته است. از آنجائی که اوقاف عمدتاً زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها، باغچه‌ها، بستان‌ها، قنات‌ها، مراکز تجاری هستند، شرح آنها و تعیین میزان سهم آنها امکان قرار گرفتن آنها، مشخص کردن حدود آنها، جملگی متضمن اطلاعات مفیدی در باب ابعاد مختلف زندگی اجتماعی شهر یزد در این دوره است.

واقفان ضمن معرفی دریافت کنندگان منافع اوقاف، به حواشی و مؤسسات وابسته نیز اشاره کرده‌اند. در حوزه جغرافیایی تاریخی به دفعات نام شهرستان‌ها و روستاهای یزد را برشمرده و اطلاعات بسیار دقیقی از آنها ارائه کرده‌اند (همان: ۱۵۳-۲۴۵). در حوزه آموزشی ضمن معرفی مدارس مهم و بزرگ به مؤسسات جانبی از جمله دارالحدیث، بیت‌الادویه و دارالکتب اشاره کرده و توضیحات دقیق ارائه کرده‌اند و هزینه‌های آموزشی در مدارس را با تعیین میزان اوقاف مشخص کرده‌اند. در حوزه‌های اجتماعی ضمن معرفی اصناف جامعه، به تمام ابعاد زندگی اجتماعی اشاره کرده‌اند؛ از جمله اداره حمام‌ها و هزینه‌های آنها، کارگاه‌های مختلف، نانوایان و انواع غذاها، بیمارستان‌ها و هزینه‌های درمان به‌ویژه هزینه‌های همراهان بیمار و تامین دارو، یتیم‌خانه‌ها، مردگان و آداب کفن و دفن و

هزینه‌های آن، آداب ماه رمضان، معرفی اوزان، شاخص اندازه‌گیری زمین‌ها، معرفی اصطلاحات مساحی چون جریب، قفیر، اجره و اقفز، شرایط پرداخت کمک‌ها، اداره خانقاه‌ها، مالکان بزرگ، شروط واقف، و بسیاری اطلاعات ارزنده دیگر (همان: ۱۰۸، ۹۶، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۸، ۲۰۹).

بنابراین، رساله فوق علاوه بر ارائه اطلاعات ارزنده در جغرافیایی تاریخی یزد و نواحی اطراف، به تمام ابعاد زندگی اجتماعی جامعه آن روز یزد و نواحی اطراف آن پرداخته و تصویر بسیار دقیق و روشنی از حیات اجتماعی فرهنگی، مذهبی و اقتصادی جامعه آن روز یزد ارائه می‌دهد که در نوع خود کم‌نظیر است. نکته قابل توجه ارائه تصویر دقیق از فضای مذهبی شهر یزد است که می‌توان ادعا کرد که جامعه آن روز شهر یزد و نواحی اطراف شیعه علوی بوده ولی اشتراکات بسیاری با جامعه اهل سنت داشته‌اند و به رغم حاکمیت سیاسی جریان اهل سنت در ایران، جامعه یزد به مانند بسیاری از نقاط دیگر ایران شیعه علوی بودند. با توجه به اینکه واقفان بخشی از درآمد اوقاف را صرف قبور ائمه شیعه، به‌ویژه امام علی (ع) و امام حسین (ع)، کرده‌اند شکی در تشیع آنان نیست. از سویی در ذکر امام جماعت، اوقات نماز را در پنج نوبت مجزا طرح می‌کنند که نشان‌گر این موضوع است که بسیاری از بدعت‌ها هنوز وارد باورهای تشیع نشده‌بود و جامعه شیعه اشتراکات بیشتری با جامعه اهل سنت داشت.

آنچه که از باب تاریخ‌نگاری محلی یزد مهم است بیان این نکته می‌باشد که وقف‌نامه، بر

خلاف کتاب‌های تاریخ محلی که عمدتاً دچار غلو و افسانه و اسطوره شده اند، مبتنی بر واقعیت موجود بوده و دلیلی برای گزافه‌گویی و افسانه‌سرایی نداشته است. هرچند تذکر این نکته لازم است که در میان کتاب‌های تاریخ محلی ایران در سده‌های هشتم تا دوازدهم، تاریخ‌های محلی یزد کم‌تر دچار این آفت شده‌اند و از بسیاری اغراق‌گویی‌ها، اسطوره‌سازی‌ها پرهیز کرده‌اند.

نسخه خطی نخست جامع الخیرات که البته اصل نبوده است و رونوشت آن بوده در عز آباد، شش فرسخی یزد پیدا شده که محل سکونت بسیاری از سادات که اولاد مرحوم سید رکن‌الدین اند بوده‌اند. این نسخه به اهتمام مرحوم سید علی محمد وزیری استنساخ شده و به وسیله محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، در سال ۱۳۴۱، در ۲۳۱ صفحه، در جلد نهم مجله فرهنگ ایران زمین منتشر شد.

۲-۲. تاریخ یزد

کتاب تاریخ یزد نوشته جعفر بن محمد بن حسن جعفری از دانشمندان و علمای سده نهم هجری است. جعفر بن محمد بن حسن معروف به جعفری از سادات حسینی نسب یزد است. تذکره نویسان و وقایع‌نگاران از وی یاد کرده‌اند و متأسفانه اطلاعات زیادی در باره تاریخ حیات او در دست نداریم. آنچه از تاریخ کبیر، تالیف دیگر او، بر می‌آید این است که در دستگاه دیوانی حکام یزد منصبی داشته و مداح حکام و اعیان و صاحب منصبان آن شهر بوده است (ستوده، ۱۳۳۹: ۱۴).

رونق و آبادانی شهر یزد در ایام اتابکان و آل

مظفر سبب شد تا شهر یزد از نظر علمی و فرهنگی اهمیت یابد. وجود مدارس، خانقاه‌ها، مساجد و سایر ابنیه حاکی از نوعی رونق علمی و فرهنگی بود. یزد در دوره‌ای که مؤلف کتاب می‌زیسته اعتبار و بزرگی در خور توجه داشته و مدرسه‌هایی چند در آن شهر دایر شده بود و علما و طلباب بسیار در حوزه‌های درس و حلقه‌های بحث این مدارس به رسوم و سنت عصر به تعلیم و تعلم می‌پرداختند. حاکم یزد در آن عهد یکی از امرای بانفوذ تیموری به نام امیر چقماق (چخماق) بود. او در تجدید عمارات و ساختن بناهای جدید و آبادانی خطه‌ای که بر آن حکمرانی داشت ولع و اهتمامی خاص مبذول می‌داشت (افشار، ۱۳۴۸: ۲۶).

کتاب تاریخ یزد کهن‌ترین کتاب تاریخی در باره شهر یزد است و بیشتر کتاب‌های دیگر که در باب تاریخ یزد تالیف شده‌است ظاهراً مبتنی بر آن است. نویسنده، شاعر و مورخ محسوب می‌شده و به ماخذ قدیم دسترسی داشته است (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۶۱). این کتاب شرح آغاز بنای شهر یزد در عصر اسکندر تا سال ۸۴۵ هجری / ۱۴۴۱ میلادی را به وجه اختصار و با تأکید بر موارد و موضوعات تمدنی، دینی و فرهنگی بیان کرده است. توجه اصلی وی، به جای رویدادهای تاریخی، به بناهای یزد و سازندگان آنها بود. در این میان، به مسایل سیاسی کم‌ترین توجه را نشان داده است. اما با دقت و وسواس از عمارات و ابنیه اقتصادی، دیوانی، فرهنگی و دینی و بانیان آنها یاد کرده است (جعفری، ۱۳۴۳: ۳۸، ۵۰، ۵۵، ۵۶، ۶۷، ۷۶، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۹۲). گاهی در شرح بنا به

درگیر مسایل سیاسی و نظامی عمده‌ای نبود تا مورخ شرح و بسطی از آن به‌دست دهد.

جعفری با این انگیزه به تألیف پرداخت تا کاستی تاریخ محلی در باب یزد را جبران کند (جعفری، ۱۳۴۳: ۲۰). او از چنان بینشی برخوردار بود که وطن خود را با افسانه‌های دور و دراز پیشدادی و کیانی منسوب نسازد و یا بسان مؤلف تاریخ سیستان وطن خود را مقدس بخواند. او حتی پیرامون قداست شهر یزد نیز قلم فرسایی نمود و بنای نخستین این شهر را زندان اسکندر تلقی کرد (همان: ۲۶-۲۷). اما، به عکس، از مردم یزد تعریف و تمجید کرده‌است و از مردان مقدسی که بانیان مساجد، مدارس، خانقاه‌ها و صاحبان مزارات بودند، یاد کرده است (همان: ۹۴-۱۶۶). تاریخ یزد دقیقاً یک تاریخ شهری و مدنی است و مؤلف با علاقه‌ای فراوان به بیان عمارات و ابنیه پرداخته و حتی می‌توان آن را نوعی تاریخ هنر و معماری تلقی کرد. گذشته از آن، کتاب در بیان احوال مشایخ، سادات، علما و ... نوعی تذکره رجال محسوب است که به سبب قدمت اثر مرجعی سودمند است. تاریخ یزد جعفری را می‌توان پایه و اساس تمام تاریخ‌های محلی یزد دانست.

محتوای کتاب شامل یک مقدمه و ده قسم است. مؤلف در مقدمه هدف خود از نگارش تاریخ یزد را بیان کرده و اشاره کرده‌است که: یزد که شریف‌ترین بلدی است از اقلیم سوم، هیچگاه این چنین معمور و آباد نبوده که اکنون در زمان ابوالمظفر شاهرخ بهادرخان است، که قریب ده هزار خانه و حوانیت، حمام، مدرسه، خوانق و

معمار آن و خطاط کتیبه آن اشاره کرده و در مناسبت‌های مختلف اشعار زیادی از شرف‌الدین علی یزدی، مولانا شرف‌الدین قاضی، امامی هروی، خواجوی کرمانی، سعدی و خود مؤلف (همان: ۵۱، ۶۰، ۷۰، ۸۲، ۱۳، ۱۶۹) در توصیف و ماده تاریخ بناها آورده است. اشعاری که شاید غیر از این کتاب در جای دیگری نتوان یافت (ستوده، ۱۳۳۹: ۱۲۵). لغات و مفردات و گاهی اصطلاحات فنی معماری و آبیاری که در این کتاب به چشم می‌خورد ارزش فراوان دارد. پاره‌ای از این لغات فقط در این کتاب آمده‌است و در سایر متون ذکر شده است؛ از جمله این واژگان: پایاب، تیمچه، بارگیر، طنبی، خرپشته، سرابستان (خانه‌ای که باغچه دارد)، کشخوان (کشتزار)، کاکل، قلتین، کاشی تراشیده تیم، شاهبان، قنات‌خانه، شاه نشین، چاه‌خانه، جام، حانوت، پاپوش، کجینه، داربند (چوب بست مو انگور)، شعریاف، قنادخانه، میهمان‌خانه، اشترخانه، جماعت‌خانه، غالی، دربندان (محاصره شهر و بستن دروازه‌ها)، پایه، فیروزه‌کاری، مناره دوقفسه، درپوش، پالوده نباتی، بازار دورویه، میان‌بند، شومالی، یوزبان، نوش، هریسه، لرد، داه (همان: ۱۲۵؛ باستانی پاریزی، ۱۳۳۹: ۴۰۹).

مؤلف در این اثر کم‌تر به مسائل سیاسی پرداخته و علت بی‌توجهی به مسائل سیاسی را باید در دو نکته دانست: نخست اینکه وی در تاریخ عمومی خود به اندازه کافی موارد و مطالب سیاسی و نظامی را بیان داشته و دیگر طرح آن در یک تاریخ محلی برای وی چندان قابل توجه و خرسندکننده نبوده‌است. دوم آنکه شهر یزد چندان

بساتین در آن است و مردمان در امن آسایش. چون بر صحیفه روزنامه نظر کردم در وصف دارالعبادۀ یزد کتاب و نوشته‌ای نیافتم پس این تاریخ در سلک انتظام در آوردم در ده قسم (همان: ۲۰).

قسم اول و دوم: درباره تاریخ قدیم یزد؛ قسم سوم: درباره عمارت‌های عصر اموی تا تیموریان؛ قسم چهارم: درباره امراء بنی کاکویه؛ قسم پنجم: درباره اتابکان یزد و عمارت‌های ساخته شده در این زمان؛ قسم ششم: درباره امراء آل مظفر و ذکر عمارت‌های دوره ایشان؛ قسم هفتم: درباره عمارت‌های یزد در دوران تیموریان؛ قسم هشتم: در ذکر مساجد، مدارس، مزارات و مقابر؛ قسم نهم: در ذکر باغستان‌ها؛ قسم دهم: در ذکر چشمه‌ها و قنات‌ها و چاه‌های آب (همان: ۲۳-۳۲، ۳۳-۳۴، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۵۶، ۹۳، ۹۴-۱۰۰، ۱۰۱-۱۳۱، ۱۳۱-۱۶۶، ۱۶۷-۱۷۷، ۱۷۶-۱۸۴، ۱۸۶).

این کتاب از روی سه نسخه خطی: ۱. نسخه کتابخانه ملی (طهران) ۲. نسخه سعید نفیسی ۳. نسخه سید علی محمد وزیری - که البته هیچ کدام خیلی هم قدیمی نبود- در سال ۱۳۳۷ هجری توسط دکتر ایرج تصحیح و توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شد.

۲-۳. تاریخ جدید یزد

کتاب تاریخ جدید یزد، نوشته احمد بن حسین بن علی کاتب از نویسندگان قرن نهم هجری است که در حدود سال ۸۶۲ هجری در ایام سلطنت جهان‌شاه قره قوینلو (۸۳۹-۸۷۲ هجری) به نام

امیرزاده پیر بداق پسر جهان‌شاه که در آن تاریخ از طرف پدر حکومت فارس را داشته (براون، ۱۳۲۹: ۳۸۹)، با اقتباس و تقلید از تاریخ یزد جعفری - چه در زمینه نوع مطالب و در مورد فصل‌بندی - نگارش یافته است (نوائی، ۱۳۶۴: ۱۲). این کتاب چیزی جز شرح و بسط مطالب تاریخ یزد جعفری و الحاق مواردی دیگر به آن نیست. احتمال قریب به یقین این است که احمد کاتب در قبال تاریخ یزد جعفری، اثر خود را تاریخ جدید یزد نامیده است تا خلط نشود. از احمد بن حسین کاتب اطلاعات اندکی نیز در دست نیست (جعفری، ۱۳۴۳: ۷). احمد کاتب با انتقاد از حاکمیت تیموریان، اثر خود را به نام پیر بداق فرزند جهان‌شاه قراوینلو نمود (کاتب، ۱۳۵۷: ۸-۱۱). با این حال، بعضی اوقات عاملان جهان‌شاه را نیز به باد سرزنش گرفته است (همان: ۲۷۹).

تاریخ جدید یزد، تلاشی آگاهانه برای ثبت گزافه‌گویانه موطن مؤلف است. احساس احمد بن حسین این بود که جعفری این وظیفه، یعنی ثبت زیبایی‌های یزد، را به شیوه‌ای قابل پسند انجام نداده است؛ زیرا «چند فصل تحقیق ناکرده نوشته» (همان: ۶). او یزد را شریف‌ترین بلاد ذکر کرده و هوایش را به غایت اعتدال و صحت و سلامت دانسته و به ذکر فضایل خاک، آب و زیبایی بناهای یزد مساجد باشکوه و اماکن مقدسه‌اش، میوه‌های خوشمزه، اعیان، مؤمنین و مردان سخت‌کوش پرداخته (همان: ۷).

تاریخ جدید یزد از بابت لغات و اصطلاحات معماری و هنری، مسایل اجتماعی و دیوانی، بیان کیفیت ویرانی پاره‌ای از محلات یزد، مدارس و

۱۳۶۶، مز).

احمد کاتب بیشتر مطالب خود را از تاریخ یزد جعفری اخذ و اقتباس کرده‌است؛ ولی دو مقاله آخر، یعنی مقالات یازدهم و دوازدهم، را خود ساخته و پرداخته است. این دو مقاله دقیقاً سمت و سوی سیاسی و نظامی دارند و چیزی جز گزارش وقایع سیاسی و نظامی عصر شاه‌سرخ و نوادش سلطان محمد و اوضاع و احوال یزد در ایام استیلای جهان‌شاه قراقرینلو نیست. مؤلف در بیان جاری شدن سیل عظیمی در شهر یزد که سبب خسارت فراوان شد، اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی را خوب به تصویر کشیده است (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۷۶). اهمیت این کتاب بیشتر به سبب موارد زیر است:

الف) وجود لغات و اصطلاحات مربوط به عمارات و ساختمان‌ها مانند، طنبی، درگاه، شادروان، و غیره که در ماخذ و کتب دیگر کم‌تر بدانها اشاره شده است.

ب) وجود اطلاعاتی در باب نحوه دیوانی کردن و پرداخته‌های واجب و اخذ سرشمار و خانه‌شمار و تحصیل و تغما و نعل بها و غیره.

ج) وجود مطالبی در باب کیفیت ویران شدن محلات یزد در وقایع سیل سال ۸۶۰ هجری و نیز محاصره‌های مکرر شهر در قصبه پسر ابوسعید طبسی و بعد و جنگ‌های عهد آل مظفر و تیمور. د) اطلاعات بسیار مبسوط در باب مدارس یزد در ایام حکومت آل مظفر و دوران تیموری ارائه شده است (همان: ۸).

مؤلف، کتاب را در یک مقدمه و دوازده مقاله (مقاله) تدوین کرده است. در مقدمه ضمن

حوزه‌های علمی آن شهر خالی از ارزش نیست (همان: ۷-۸). توصیف بناها که به موارد زیبایی آنها مربوط می‌شود، یعنی بادگیرها، درختان سرو و گل‌های باغ، جام‌های الوان پنجره‌ها، مرمرها و کاشی‌کاری‌ها، کتیبه‌ها و جدارهای منقش، همه این موارد تأثیری قابل توجه در بیننده بر جای می‌گذارد و نوعی احساس هماهنگی و توازن برقرار می‌کنند (میلر، ۱۳۸۰: ۱۰۰). از دیدگاه احمد بن حسین رشد و رونق شهر یزد منوط به حضور خاندان سلطنتی و یا اعیان و اشراف بود، که البته همواره وجود نداشت.

مؤلف اهتمام جدی به تاریخ مذهبی یزد نشان داده و در مقدمه کتاب خود یزد را دارالعباده خوانده و، در واقع، بخشی از کتاب او گزارشی است از پارسا منشی یزدیان. او یزدیان را از دیر باز مؤمن دانسته، حتی قبل از اسلام، و نسبت به زرتشتی‌گری به عنوان دین ایرانیان پیش از اسلام احترام قابل توجه‌ای ابراز می‌کند (کاتب، ۱۳۵۷: ۷). از سویی، مؤلف با پرداختن به احوال و خرق عادات و کرامات صوفیان و مشاخ یزد، شهر را غرق در فضای خیال‌انگیز و فراطبیعی نموده است. او با ارائه گزارش‌هایی از احوالات امامزاده‌ها و کرامات آنها در پی آن است که به خواننده‌گان خود تفهیم کند که رونق یزد نه ناشی از مسائل اقتصادی، بلکه حقیقتی برتر سبب این رونق شده است. از دید او، تدین و پرهیزگاری سبب رونق و رفاه شده است (میلر، ۱۳۸۰: ۱۰۱). کاتب، به تناسب اطلاعاتی که ارائه داده، اشعاری را از شعرای قبلی آورده و در چند مورد هم به اشعار خواجه حافظ تمثل جسته است (غنی،

معرفی منابعی که از آنها استفاده کرده، به این نکته اشاره می‌کند که در باب تاریخ یزد تا آن زمان کتابی نوشته نشده، به جز کتاب تاریخ یزد، نوشته سید جلال الدین که چند فصل تحقیق ناکرده نوشته است (همان: ۶). همچنین در مقدمه، ضمن اشاره به آبادانی شهر یزد در دوره شاهرخ، به دوران فترت اواخر دوره تیموریان و مصائب وارده بر شهر یزد اشاره می‌کند. نویسنده در مقدمه، فهرست کامل کتاب را در دوازده مقاله بیان می‌کند. این فهرست از حیث محتوا بسیار شبیه به کتاب تاریخ یزد است و تنها دو مقاله آخر آن (۱۱ و ۱۲)، که وقایع هم عصر مؤلف است، از ارزش ویژه‌ای دارد.

کتاب تاریخ جدید یزد، در سال ۱۳۴۵ هجری، به کوشش مرحوم ایرج افشار با استفاده از سه نسخه خطی (۱. نسخه متعلق به مجلس شورای ملی، ۲. نسخه زیاب خویی که مربوط به سده یازدهم است، ۳. نسخه متعلق به کتابخانه ملی ملک تهران) در ۳۲۵ صفحه، توسط انتشارات ابن سینا به چاپ رسیده است.

۲-۴. جامع مفیدی مستوفی

مفصل‌ترین اثر در تاریخ و جغرافیای شهر یزد، جامع مفیدی، تألیف محمد مفیدبن نجم‌الدین محمود بن حبیب‌الله یزدی معروف به محمد مفیدمستوفی بافقی از دیوانیان عصر شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۷۹ هجری است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: هشت) که در سال ۱۰۹۰ هجری نوشته شده است (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۳). مستوفی مدتی ناظر و متولی پاره‌ای از اوقاف یزد بود. سال تولد و وفات محمد مفید مشخص نیست؛ ولی چون

تاریخ نگارش اثر دیگر او، مجالس الملوک (جداول سلاطین) ۱۰۵۲ هجری است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: هشت)، احتمالاً حدود سی سال پیش از آن متولد شده و به این تخمین شاید نزدیک به هفتاد سال تا تاریخ نگارش کتاب مختصر مفید در ۱۰۹۱ هجری زیسته است (افشار، ۱۳۸۴: ۴۹).

مفید، به گفته خودش، از سال ۱۰۷۷ هجری به مدت چهار سال مستوفی اوقاف یزد بود و در سال ۱۰۸۰ هجری نظارت بر آنجا را بر عهده گرفت (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۷۶۰، ۷۵۹، ۷۵۴، ۷۵۲) و، از این رو، به مستوفی مشهور شد. در سال ۱۰۸۱ هجری از امور دیوانی دست کشید و مدتی کوتاه در اصفهان ماند. بعد به فارس و بصره و عتبات عالیات رفت (ستوده، ۱۳۴۶: ۱۶۹). در بصره تألیف این کتاب را آغاز کرد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۸۰۱، ۸۰۰، ۷۷۱، ۷۶۹). او به سال ۱۰۸۲ هجری / ۱۶۷۱ میلادی راهی هندوستان شد و به سورات و سپس به دهلی و حیدرآباد رفت (آژند، ۱۳۸۰: ۴۹) و به خدمت ملوک و شاهزادگان آن دیار درآمد، به گونه‌ای که مشهور به خان سامانی شد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۸۶۸، ۸۶۶، ۷۵۲) و تا سال ۱۰۹۱ هجری در هندوستان اقامت داشت؛ زیرا در این سال تألیف کتاب مختصر مفید را، که به جغرافیای بلاد اسلامی اختصاص دارد در شهر لاهور به پایان رساند (همان، ۷۸۱-۷۹۹). از این سال به بعد دیگر اطلاعی از او در دست نیست. وی در زمان اقامت در هندوستان به چند شهر سفر کرد، از جمله به سرانندیب رفت و در دستگاه شاهزاده محمد اکبر فرزند چهارم اورنگ زیب تقرب یافت

و اعیان(هفده مورد) و مطالبی دربارهٔ صلحا و گوشه نشینان (شش مورد) و هنروران (شش مورد)؛ مقاله سوم دربارهٔ امام زادگان و مشایخ (چهل پنج مورد)؛ مقاله چهارم در پنج گفتار در بارهٔ مساجد(هشت مورد)، مدارس (دوازده مورد)، و بقعه‌ها (یک مورد)، خانقاها (چهار مورد)، رباطها (هشت مورد)، مَصانع(آبگیرها ده مورد)، قُرا و مزارع (شامل اهرستان، چم تفت و تفت است که جمعاً چهارده باغ و یک خانقاه و یک بقعه ذکر می شود) و سبب بنای یزد و مقاله پنجم در ذکر بعضی از غرایب روزگار و احوال مؤلف.

از این مجلد بیش از بیست نسخه در کتابخانه‌ها موجود است. از این میان ایرج افشار نسخه موجود در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا را، به شماره های or.210 و or.211، مبنای تصحیح متن قرار داده و در سال ۱۳۴۰ ش، آن را چاپ و منتشر کرده است.

با آنکه مؤلف اثر خود را به دستور دربار صفوی نوشته است، در مجموع، از سلاطین صفوی، به‌خصوص سلطان معاصرش شاه سلیمان تعریف و تمجید کرده است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۷۴۵-۷۴۶). تعریف و تمجید وی از سلاطین صفوی مانع انتقاد از اوضاع اقتصادی و فرهنگی عصر نشده است. او آشکارا از احوال نابسامان اقتصادی و معیشتی و احوال ناهنجار فکری و فرهنگی شکوه و گلایه دارد. بیان مؤلف به هیچ وجه تعارف و شکوه معمولی نیست. کوچ نمودنش به هندوستان، بسان دیگر دانشمندان عصر، حاکی از محیط خاص فرهنگی و فکری عصر صفوی است که معمولاً برای اهل قلم خارج

از محیط دربار مرکزی چندان خرسند کننده نبود (سالاری شادی، ۱۳۸۳: ۲۸۶).

این متن، از نظر جغرافیای تاریخی یزد یگانه است. شهر یزد به هنگام تألیف کتاب هفده محله داشته است. مؤلف تقریباً همه محلات و نواحی معتبر و اساسی آنجا را وصف و قنات‌ها و آب انبارها و مسجد‌ها و مدرسه‌های مهمی را که تا عصر صفوی باقی مانده بودند، معرفی کرده است. جامع مفیدی از این نظر که، به طور پراکنده، ما را با احوال زرتشتیان و مبادی اجتماعی و مدنی آنها آشنا می کند، مأخذی منحصر به فرد است. شرح احوال اعیان، رجال و معاریف دانشمندان و شاعران و هنروران در این مجموعه، به‌ویژه آن طبقه از رجال یزد که به هندوستان مهاجرت کرده بودند، بسیار مهم است؛ چرا که اطلاعات این افراد منحصر به این کتاب است و در جای دیگر ذکر آنها دیده نمی شود. این کتاب خود در حکم کتاب طبقات و تذکرهٔ بزرگان یزد است و در قیاس با نمونه‌های مشابه، مزیت‌هایی دارد. مؤلف، همچنین، اشعار فراوانی از شعرا در کتاب خود آورده است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۴۳۴-۴۳۵).

جامع مفیدی از لحاظ اشمال بر کلمات و اصطلاحات دیوانی و مناصب شرعی، تشریح احتساب و طبقات مردم، وضع اوقاف، چگونگی عزل و نصب حکام، مراتب و مدارج لشکری و، به طور کلی، اوضاع اجتماعی و اداری جامعهٔ عصر صفوی، در تحقیقات تاریخی و تتبعات اجتماعی بسیار ارزشمند است (همان: ۱۱)؛ زرین کوب، ۱۳۸۰: ۵۶). همچنین اصطلاحات خاص آن منطقه در دورهٔ مؤلف را نیز در بردارد؛ مانند آنچه

عراقی، اشتلم، اطلس ششتری، بارپازی، بوجاری (باد دادن گندم در موقع خرمن)، پده (نام درختی بیابانی)، پُرسه (مجلس ترحیم)، دُت (دختر در گویش زرتشتیان)، شوره بیز(نوعی غربال)، گاو پهلو(اصطلاحی در قلعه سازی). این اصطلاحات، در متون دیگر یا نیست یا نادر است(مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: تعلیقات افشار، ۳۶۴).

روش تاریخ نگاری مستوفی بافقی متفاوت از معاصران صفوی آن نیست. مؤلف اثر خود را از اشعار آکنده است و مانند مورخان عصر در نقل منبع بیشتر اغماض کرده و از عبارات و تشبیهات معمول مورخان عصر صفوی، مانند بلبل نوایان اخبار و یا نغمه سرایان سخن پرداز و بعضاً به اشاره از «تواریخ معتبره» به عنوان منابع یاد کرده است. با این همه، وی بعضاً منابع خود را، که آثار مشهور پیشین مانند تاریخ یزد جعفری و احمد کاتب، *روضه الصفا*، *حیب السیر* و... هستند، نام برده است (همان: ۷۵۵-۷۵۶). مستوفی بافقی، بسان مورخان عصر صفوی، کم‌تر متعرض نکات در باب تاریخ نگاری و شرایط آن شده است و حتی در دیباچه کم‌ترین اشاره‌ای به آن ندارد. اعتقاد به قضا و قدر و تقدیر الهی همچنان بر این اثر سایه افکنده و از همین نگاه است که آن را شایسته دلبستگی، اعتماد و اعتبارنساخته است.

همان گونه که بیان شد، جلد سوم جامع مفیدی تذکره گونه ای در احوال سادات، وزراء، کلاتران، مستوفیان، میر باشیان، یوزباشیان، علما، قضا، محاسبان، واعظان، خطیبان، خطاطان و... منطقه یزد است. جالب آنکه وی، به رغم بیان احوال خطاطان، شاعران و... از مورخان تحت

عنوان مقاله ای مستقل یاد نکرده است و احوال معین‌الدین معلم یزدی مؤلف *مواهب الهی* و شرف‌الدین علی یزدی صاحب *ظفرنامه* را در ذیل احوال علما و فضلا آورده است (همان: ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۲۹، ۳۳۱). *جامع مفیدی*، تا آنجائی که مواد تراجم احوال مطرح است (وجالب توجه هم هست) ماهیت وابسته جوامع ایرانی را منعکس کرده است (آژند، ۱۳۶۰: ۱۰۳).

به رغم اهمیت این ترجمه احوال، لحن وی در خصوص اغلب صاحبان ترجمه مداحانه و تحسین آمیز است. مؤلف چون مستوفی بوده و شغل دولتی داشته، در انشا نیز سبک مستوفیان را رعایت کرده، در مورد پادشاهان و امراء و بزرگان عبارات مطنطن و تعارف آمیز به قلم آورده است. در این تراجم احوال با عبارات مشترک همه علما، اهل زهد و تقوا؛ اطبا، حاذق و چیره دست و دانشمندان در سرعت فهم و انتقال بی نظیرند(ستوده، ۱۳۴۶: ۱۶۷). با این حال، در ترجمه احوال طبقات سیاسی و اداری مانند وزراء، کلاتران و... نوشته‌اش خالی از انتقاد و طعنه نیست و آنها را در پاره‌ای موارد ظالم و یا هم‌طبیعت مار دانسته است.

بحث و نتیجه گیری

تاریخ نگاری محلی یزد، همانند تاریخ نگاری عمومی و سلسله‌ای، در اواخر دوره ایلخانی آغاز و اوایل دوره تیموری به اوج و شکوفایی خود رسید و تا عصر قاجار امتداد یافت. در این زمان، به استثنای رکن‌الدین محمد بن نظام حسینی که رساله (وقفنامه) *جامع الخیرات* را تدوین کرد،

مورخانی چون جعفر بن محمد بن حسن جعفری، مؤلف تاریخ یزد؛ احمد بن حسین بن علی کاتب تبریزی، مؤلف تاریخ جدید یزد و محمد بن مفید بن محمود مستوفی بافقی، مؤلف جامع مفیدی در عرصه تاریخ نگاری محلی یزد ظاهر شدند.

ظهور این گروه از مورخان یزدی را می‌توان در درجه اول، نتیجه تغییر شرایط اقتصادی و فرهنگی یزد دانست. یزد در سده نهم هجری شهری بزرگ و کانون رونق و پیشرفت تجارت پارچه بود. آنچه بیش از هر چیز درخور توجه می‌نمود، وجود شمار قابل توجهی از مدارس در یزد بود. چگونگی ارتباط فرهنگی و آموزشی میان مدارس و مورخان یزدی روشن نیست. اما این مطلب روشن است که مورخان یزدی نمی‌توانستند در فضایی از نظر فرهنگی بسته رشد کنند. از سوی دیگر، ظهور آنان صرفاً به دلیل ارتباط آنان با دیگر شهرها و کانون‌های فرهنگی نیز نبود؛ هرچند نمی‌توان نقش حوزه‌های تاریخ نگاری کرمان و فارس را نادیده گرفت. افزون بر آن، این مطلب که در سده نهم چند مورخ تاریخ محلی یزد ظهور کردند، تصادفی نیست. این مورخان را می‌توان هم برآیند جامعه پروتق یزد که به توصیف آن پرداخته اند در نظر گرفت و هم به مثابه نماینده شکوه جامعه و شهر یزد به شمار آورد.

تاریخ نگاری محلی یزد در حالی که ویژگی‌های عمده تاریخ نگاری محلی به مانند حب وطن، ارایه آگاهی‌هایی دربارهٔ اوضاع اقتصادی، طبقات اجتماعی، احوال رجال، شعرا، علما، آداب و رسوم، باورها، مذاهب، ستیزهای قومی و

مذهبی و دادن اطلاعات از تشکیلات اداری، نظام مالیاتی، رودها، کوه‌ها، اقوام، ایلات، زبان‌ها، گویش‌ها، معادن، صنایع، مزارات، بقاع، مساجد، قنوات و اوقاف را دارا بودند و از جزئیاتی ارزنده از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه برخوردار بودند، دارای ویژگی‌های مختص خود نیز بودند.

نخست اینکه، که حس استقلال و خودمختاری در تاریخ نگاری محلی پررنگ‌تر بوده و توجه اصلی نویسندگان تاریخ محلی به بناهای یزد و سازندگان آنها بوده و به سبب اهمیت قنات‌ها در حاشیه کویر مرکزی، در تواریخ یزد مطالب بسیاری درباره قنات‌ها و تقسیم بندی آب و شیوه آبیاری و خشکسالی‌ها آمده است.

دوم اینکه، تاریخ نگاری محلی یزد از بسیاری اغراق‌گویی‌ها و اسطوره‌سازی‌ها پرهیز کرده و حاوی اطلاعات بسیار دقیق و ریز از تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی شهر یزد و نواحی اطراف آن بوده است. لازم به تذکر است که این خصیصه (پرهیز از گزافه‌گویی و غلو) به مرور ایام تضعیف شده و در دوره‌های متاخرتر نشانه‌های غلو، به‌ویژه در تاریخ سیاسی ملاحظه می‌شود.

سومین ویژگی اختصاصی تاریخ نگاری محلی یزد توجه ویژه به نهاد وقف و آثار آن است. تاریخ‌نگاران محلی یزد اطلاعات مبسوطی درباره نهاد وقف، ویژگی‌های واقفان و کارکردهای وقف در جامعه یزد ارائه داده‌اند.

چهارمین ویژگی تاریخ نگاری محلی یزد تأثیر سیاست در سیر نزولی آن است؛ چرا که به میزان

استوری. ترجمه آرین پور و کریم کشاورز. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

براون، ادوارد. (۱۳۳۹). *تاریخ ادبیات ایران (از سعدی تا جامی)*. چاپ دوم. تهران: کتابخانه ابن سینا.

جعفری، جعفر بن محمد. (۱۳۴۳). *تاریخ یزد*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

حسینی یزدی، سید رکن‌الدین. (۱۳۴۱). *جامع الخیرات*. به تصحیح محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.

روزنتال، فرانسیس. (۱۳۶۸). *تاریخ نگاری در اسلام*. ترجمه اسدالله بیات. ج ۲. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. چاپ نهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

ستوده، حسینقلی. (۱۳۴۶). *تاریخ آل مظفر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سالاری شادی، علی. (۱۳۴۶). *سیر تاریخ نگاری فارسی در ایران*. پایان‌نامه دوره دکترا. تبریز: دانشکده علوم انسانی.

طرب نایینی، محمد جعفر بن محمد. (۱۳۵۳). *جامع جعفری*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن ملی.

غنی، قاسم. (۱۳۶۶). *تاریخ عصر حافظ*. چاپ چهارم. تهران: کتابفروشی زوار.

کاتب، احمد بن حسین. (۱۳۵۷). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیر کبیر.

کتبی، محمود. (۱۳۶۴). *تاریخ آل مظفر*. به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوائی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

لمبتون، آ.س.ک. (۱۳۶۲). *مالک و زارع*. ترجمه منوچر امیری. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مدیر شانه چی، کاظم. (۱۳۴۵). *مزارات خراسان*.

وابستگی سیاسی مورخان محلی یزد با دستگاه حکومت، سلامت و صداقت محتوای تاریخ‌های محلی نیز متغیر بوده و هرچه ارتباط مورخان با دربار و حاکمیت سیاسی بیشتر شده، صداقت مطالب تاریخ کم‌تر گردید و این امر را در مقایسه گفتمان تاریخی مؤلف تاریخ یزد با گفتمان مؤلف جامع جعفری می‌توان به‌روشنی ملاحظه کرد.

پنجمین ویژگی تاریخ نگاری محلی یزد، توجه به قداست مردم یزد به جای توجه به قداست تاریخی شهر یزد است. مورخان یزدی تلاش نکردند سیر تاریخی شهر یزد را حاصل یک جریان قدسی معرفی کنند؛ اما اصرار بسیاری بر قداست و پارسا منشی مردمان یزد دارند.

و سرانجام، ششمین ویژگی تاریخ نگاری محلی یزد پرهیز مورخان یزدی از موضوعات سیاسی و اصرار بر موضوعات تمدنی و معماری است و این امر در مقایسه تاریخ‌نگاری محلی یزد با تاریخ نگاری سایر شهرها، به ویژه شهرهای شمالی ایران، بسیار نمایان است.

منابع

آژند، یعقوب. (۱۳۸۰). *تاریخ نگاری در ایران*. تهران: انتشارات گستره.

آئینه نند، صادق. (۱۳۷۷). *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). *الفهرست*. ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد. تهران: انتشارات امیر کبیر.

افشار، ایرج. (۱۳۴۸). *یادگارهای یزد*. ج ۱. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

برگل، یو.ا. (۱۳۶۲). *ادبیات فارسی بر مبنای تألیف*

- مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- مستوفی بافقی، محمد مفید. (۱۳۴۰). *جامع مفیدی*. ج ۲، ۱. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی.
- مستوفی بافقی، محمد مفید. (۱۳۴۲). *جامع مفیدی*. ج ۳. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۲.
- مقالات
- آزند ، یعقوب (۱۳۸۰). « سیری در تاریخ نگاری محلی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا* . س ۴. ش ۴۵-۴۴، خرداد و تیر. ص ۴۸-۵۱.
- افشار، ایرج . (۱۳۸۴). «جامع مفیدی». *دانشنامه جهان اسلام* . ج ۹ . تهران : بنیاد دایره المعارف اسلامی . ص ۳۶۲-۳۶۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۰). «اهمیت تواریخ محلی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. س ۴. ش ۴۵-۴۴، خرداد و تیر. ص ۸-۹.
- _____ (۱۳۳۹). «تاریخ یزد». *مجله یغما*. س ۱۳ . ش ۸ ، آبان ماه . ص ۴۰۹-۴۱۱.
- خیر اندیش، عبد الرسول. (۱۳۸۰). « صورت شناسی تاریخ های محلی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا* . س ۴ . ش ۴۴-۴۵ ، خرداد و تیر . ص ۳۱-۳۰.
- دانشنامه جهان اسلام. (۱۳۸۰). «تاریخ نگاری محلی». ج ۶. تهران. مرکز دایره المعارف اسلامی. ص ۱۳۸-۱۴۰.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۳۹). «تاریخ یزد». *ماهنامه ادبی و اجتماعی سخن*. س ۱۱. ش ۱. ص ۱۲۴-۱۲۶.
- صالحی ، نصرالله. (۱۳۸۰). «کتاب شناسی توصیفی تاریخ های محلی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. س ۴. ش ۴۴ و ۴۵ خرداد و تیر . ص ۱۲-۴۳.
- قدیم قیداری، عباس. (۱۳۸۸). «تاریخ نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ نگار زن». *مجله پژوهش های تاریخی دانشگاه اصفهان*. س ۴۵. ش ۱ ، بهار . ص ۱۱۳-۱۲۸.
- محبوبی اردکانی. حسین (۱۳۴۳). «جامع مفیدی». راهنمای کتاب. س ۷. ش ۱ ، پاییز . ص ۸۷-۹۶.
- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۳۹). «تاریخ یزد». *ماهنامه ادبی و اجتماعی سخن*. س ۱۱. ش ۱. ص ۱۲۱-۱۲۴.
- میر حسینی، محمد حسن. (۱۳۸۴). «نکته یابی از جامع الخیرات». *مجله فرهنگ* . ش ۵۶. زمستان. ص ۱۶۳-۱۸۴.
- میلر ، ایزابل (۱۳۸۰). «تاریخ جدید یزد». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. س ۴. ش ۴۷-۴۶ ، مرداد و شهریور. ص ۸۹-۱۰۳.
- Rieu, Charles(1966). *Catalogue of the Persian manuscripts in The British , London*.
- Ashraf, Muhammad (1965-1975). *A catalogue of the Persian manuscripts in The Jung Museum & Library . Hyderabad*.